

پیشرفت تحصیلی در برابر خلاقیت

جوان فریمن؛ ترجمه حمیده میرحیدری

«در این مقاله، دو نوع عمده تیزهوشی، «پیشرفت تحصیلی» و «خلاقیت» بررسی و تیزهوشان «پیشرفته تحصیلی» و «خلاق» از لحاظ «علاق»، «جنسیت» و «تعلیم و تربیت» مورد مقایسه قرار می‌گیرند.



«خلاقیت» و «پیشرفت تحصیلی»، بوسیله تأثیرات محیطی عمومی یکسانی مانند: تشویق، سرمشق قرار دادن و امکانات آموزشی تقویت می‌شوند. اما در بالاترین سطوح، تأثیراتی که برای این دو جنبه از کارکرد عقلانی، مفیدند، یکسان نیستند، و حتی در بعضی مواقع ممکن است متناقض باشند. در حالیکه «خلاقیت» برای شکوفا شدن به «تخلیه» هیجانی احتیاج دارد، «پیشرفت تحصیلی زیاد» به «مهار» هیجانها نیازمند است.

● بررسی مطالعات

«گلبن کیان»، ده سال بعد از یک مطالعه بر روی کودکان تیزهوش به پیگیری آن پرداخت. او ۸۱٪ از نمونه اصلی را مورد بررسی مجدد قرار داد و تأثیر محیط اولیه را در جوانانی یافت که اکنون بین ۱۴ تا ۲۳ سال، سن داشتند. به ویژه، روش تربیتی و آموزشی کودکان تیزهوش در ارتباط با پیشرفتهای تحصیلی و رفتار خلاق آنها مشهود بود. (فریمن، ۱۹۸۵). هدف اصلی از پیگیری مطالعات این نکته بود که اغلب موضوعات جدی که می‌توانند بر روی رشد توانایی‌های بالقوه کودکان تأثیر بگذارند، بستگی به رضایت آنها از زندگی دارد.

● چه چیزی بیشترین لذت را به شما می‌دهد؟

گاهی اوقات پژوهش علمی کاری مشکل و بی‌فایده به نظر می‌رسد، اما یک الهام که کاملاً غیرمنتظره است، فضای کاملاً جدیدی را در مقابل نمایان می‌سازد. سؤال «چه چیزی بیشترین لذت را به شما می‌دهد؟» به شکل یک مصاحبه چند ساعته با جوانان انجام شد.

پاسخها، آنقدر واضح بود که امکان یک مطالعه تطبیقی میان کسانی که پیشرفت را به عنوان بیشترین لذت انتخاب می‌کردند- پیشرفته‌ها^۱ و افرادی که بیشترین لذت را در خلاقیت می‌دانستند- افراد خلاق^۲ فراهم می‌آورد. ثابت شد که چشمداشت و انگیزه، یک شاخص مهم در اندازه‌گیری پیشرفتهای تحصیلی محسوب می‌شود.

پاسخهای پرسش به «چه چیز بیشترین لذت را به شما می‌دهد؟»

روابط	۳۷٪	خلاقیت/فعالتهای هنری	۷٪
پیشرفت تحصیلی	۲۴٪	طبیعت	۵٪
ترکیبی از چیزهای مختلف	۲۳٪	فعالتهای بدنی	۴٪

از نظر آماری این مقایسه‌ها، فقط به عنوان یک شاخص تلقی می‌گردند. برای مقایسه موضوعات مورد مطالعه، افراد به دو گروه کوچکتر تقسیم شدند: ۴۱ پیشرفته تحصیلی و ۱۱ خلاق. در واقع آنچه از بررسی ۱۶۹ نفر بدست آمد، نشان داد که رضایت اصلی آنها در خلاقیت بوده است.

به هر حال، تعداد نمونه، به واسطه نوع روش تحقیق، قدری کاهش یافته بود. و مصاحبه‌ها با روش تک‌بررسی صورت گرفت و نتایج اصولاً تفاوت معنی‌داری (در سطح اطمینان ۵٪ غالباً با استفاده از روش آماری مجذورخی) نشان داد. برای آنکه تصویری کامل فراهم آید، داده‌های آماری و گزارشهای شفاهی به طور تکمیلی بکار رفتند.

بیشترین لذت شخصی (برحسب جنس)	دختران	پسران
پیشرفت تحصیلی	۵٪	۹۳٪
خلاقیت	۷۳٪	۲۷٪

تقسیم افراد پیشرفته تحصیلی و خلاق در بین دخترها و پسرها بارز بود. بدین معنا که بیشتر پیشرفته‌های تحصیلی، پسر و بیشتر افراد خلاق، دختر بودند. آیا انتخاب موضوع لذت در آنها، به نقشهای جنسی آموخته شده بستگی داشت یا اختلافات ذاتی؟ این امر، بطور مسلم اختلافاتی در نتایج آزمایش به وجود می‌آورد:

سطوح A در پایه الف	پسران	دختران
A ۱	۱/۸	۱۰
AS۲	۹/۲	۶/۷
AS۳	۱۱	۵

دو آزمون عمومی رایج در بریتانیا- سطح O برای ۱۶ ساله‌ها و سطح A برای ۱۸ ساله‌ها- در میان آنها اجرا شد. اگرچه دختران در سطح O، نمرات قبولی بیشتری بدست آوردند و تعدادی نیز در سطح A نمراتی مشابه پسران کسب کردند، اما بطور واضح، کمتر در طبقه «پیشرفته تحصیلی» قرار داشتند و پسران دو برابر دختران نمرات بالا را در سطح A بدست آوردند.

تعدادی از دختران اظهار می‌داشتند که از سوی معلمانشان از اینکه به اوج برسند، مأیوس شده بودند. بعضی از آنها، هوشبهر بالا و توانایی ذهنی آشکارتری برای ورود به مدارس عالی و دانشکده‌های فنی داشتند.

پاسخ یک دختر:

«معلمان فکر می‌کردند که پرستاری، شغل خوبی برای من خواهد بود، ولی من نمی‌خواستم پرستار شوم. بعد از اینکه برنده جایزه ملی در زیست‌شناسی شدم و مطالعه‌ام در زمینه کرم خاکی، مقام دوم را بدست آورد. با رفتن من به دانشگاه موافقت کردند؛ اگرچه مجبور شدم علایقم را تغییر دهم. اگر کمی تشویق می‌شدم، می‌توانستم به جای اینکه نیروم را در مقابله با آنها تلف کنم، کارهای بسیار بهتری انجام دهم!»

○ هنر در برابر علم: در جایی که «درآمد» در زندگی مهم باشد، علم نوعی دارایی است. این عقیده کلیه والدین بود که اگر در پی علم باشید، موضوعات هنری را همیشه به عنوان یک سرگرمی انتخاب خواهید کرد، اما اگر موضوعات هنری را انتخاب کنید، راه علم برای همیشه برویتان بسته باقی خواهد ماند. در این نمونه، هیچ دختری از مدارس جامع مختلط به دانشگاه راه نیافته بود. اما از گونه‌های دیگر به مدارس عالی وارد شده بودند. پسران ۱۷ ساله‌ای که از مدرسه جامعی فارغ‌التحصیل شده بودند، همگی بدنبال تحصیل علم رفتند. دختران مدارس غیرمختلط به نسبت، بیشتر به دانشگاه راه یافتند.

سؤال از والدین: در تحصیل چه چیزی برای شما اهمیت بیشتری دارد؟

علم: ۵۱/۱٪ هنر: ۸/۳٪ هیچکدام: ۳۹/۶٪

موضوع روشن است، اگر دختران تیزهوش بخواهند در توانمندیهای بالقوه‌شان بخصوص در علم به موفقیت نایل شوند، به ویژه آنهایی که در نوع مدارس جامع تحصیل می‌کنند، بنظر می‌رسد نیاز بیشتری به حمایت معلمان دارند.

○ هیجان: افراد پیشرفته تحصیلی، بالاترین میزان «خصوصیت» را بدست آوردند، اما ۹۱٪ افراد خلاق، حتی یک مورد نیز میزان خصوصیت بالا را نشان ندادند. افراد پیشرفته، همچنین بیشترین نشانه‌های ناهنجاریها را با گروه همسال بروز می‌دادند، در حالیکه هیچیک از افراد خلاق اینگونه نبودند. افراد پیشرفته تحصیلی، بیشتر از همه، زمینه اختلال در هیجان و روابط را آشکار می‌ساختند. در مصاحبه‌ها، تعداد افراد پیشرفته تحصیلی که دچار افسردگی شده بودند، بیشتر بود. همچنین هنرمندان دو برابر پیشرفته‌ها، احساس همدلی می‌کردند.

○ ارتباط با دیگران: پیشرفت، بطور تلویحی، مقداری رقابت را دربردارد، حتی اگر فقط با خود شخص باشد، بدین علت که عنصر رقابت بمنظور پیشرفت، بویژه در میان افراد همسن، بطور معکوسی با شکل‌گیری روابط نزدیک ارتباط دارد.

روابط	افراد پیشرفته	افراد خلاق
هوش من جاذبه‌ای ندارد	۶۳٪	۹٪
دوستان قدیمی	۱۷٪	-
من زیاد صحبت می‌کنم	۲۰٪	۴۶٪

هر دو گروه پیشرفته تحصیلی و خلاق، هوشبهر یکسانی داشتند، ولی درک آنها از خودشان کاملاً متفاوت بود. افراد «پیشرفته تحصیلی» هوش زیادشان را جزیی از خود می‌پنداشتند که دیگران به آن میلی ندارند، در حالی که افراد خلاق به طرز قابل ملاحظه‌ای آن را نادیده می‌گرفتند. اختلاف، بیشتر مربوط به خودباوری می‌شد تا توانایی.

افراد خلاق اجتماعی‌تر بودند و با مصاحبه‌گر از خود سرزندگی و شوخ‌طبعی بیشتری بروز می‌دادند.

○ شناخت: بعضی اختلافات شناختی نیز مشاهده می‌شد. افراد پیشرفته غالباً ادعا می‌کردند که در بیشتر اوقات حافظه بهتری در مورد وقایع دارند؛ در واقع، آنها در جمع‌آوری اطلاعات عملکرد خوبی داشتند. ادعای هنرمندان این بود که حافظه بصری بهتری- غالباً در امتحانات- دارند.

○ سن: رضایتی که افراد پیشرفته تحصیلی در دوران کودکی از تلاش خلاقانه داشتند، وقتی که به سن ۱۸ سالگی می‌رسیدند، به تدریج کاهش می‌یافت بطوری که در سن ۲۰ سالگی، هیچیک مدعی این مطلب نمی‌شدند، اما خلاقیت در میان افراد خلاق، در کلیه مراحل رشد، ثابت می‌ماند.

○ اوقات فراغت: افراد پیشرفته تحصیلی در مقایسه با افراد خلاق، اوقات فراغت متنوعتری داشتند، اما نسبتاً کمتر از آنها، خلاقیت نشان می‌دادند. بطور مثال، غالباً تلویزیون تماشا می‌کردند، به ورزش می‌پرداختند و کمتر شعر می‌گفتند. افراد پیشرفته

تحصیلی کمتر به ورزش مشغول می‌شدند. هنرمندان عمدتاً پشتکار بیشتری در علایقشان داشتند و به نظر می‌رسد که در انتخابشان خود مختاری بیشتری دارند.

افراد پیشرفته	افراد خلاق	اوقات فراغت
٪۶۱	٪۹۱	اختراع چیزهایی خارج از مدرسه
٪۲۴	٪۴۶	تماشای مداوم تلویزیون

○ **تحصیل:** «آیا مدرسه را دوست دارید؟» از جنبه خلاقیت، احساس رضایت دانش‌آموزان از مدارس خود، کمتر از محرک‌های تحصیلی بود. آنها نسبت به افراد پیشرفته، مدرسه را به گونه دیگری تصور می‌کردند و عقایدشان بر این اساس بود که تفکر، از طرق مختلفی می‌تواند در جهت بهبود، تغییر یابد. چه بسیار افراد خلاق که در مدرسه مشکل جدی داشتند. به نظر می‌رسد خلاقیت، افراد را مستعد می‌کند تا برای آنها مشکلات عمده‌تری در سازگاری با نظام یا نظام‌هایی بوجود آورد که قابلیت انطباقی کمی با آنها دارند. شاید بدین دلیل است که آنها در امتحاناتشان کمتر موفق می‌شوند.

مدرسه مورد علاقه	افراد پیشرفته	افراد خلاق
مدرسه را دوست نداشتند	٪۱۰	٪۳۶
مدرسه را همانطور که بود دوست داشتند	٪۲۴	-
خواهان تغییراتی- ۲ مورد یا بیشتر- بودند	٪۲۴	٪۵۵
یک مشکل اداری داشتند	٪۵	٪۱۹

○ **راهنمایی حرفه‌ای:** افراد خلاق گذشته از اینکه نسبت به نظام تعلیم و تربیت نارضایتی نشان می‌دادند، از راهنمایی حرفه‌ای نیز رضایت نداشتند. در حالی که افراد پیشرفته، احساس رضایت بیشتری می‌نمودند و بطور کلی مشکلات شغلی کمتری بروز می‌دادند.

آیا راهنمایی حرفه‌ای مناسب شما انجام می‌گیرد؟	افراد پیشرفته	افراد خلاق
جواب منفی	٪۳۴	٪۸۲

اغلب افراد خلاق از آنچه که به عنوان راهنمایی حرفه‌ای در مدرسه تجربه کرده بودند، احساس نارضایتی می‌نمودند، غالباً به دلیل گرایش به گام نهادن در راهی بودند که در مقایسه با افراد پیشرفته، کمتر جنبه قراردادی و رسمی داشته باشد.

○ **دوره آموزشی:** برخی از مدارس برگزیده، به لحاظ کیفی، از توان تحصیلی بالایی برخوردارند و دانش‌آموزان بیان می‌دارند که تا چه اندازه از سوءاستفاده‌های تحصیلی آن مدارس، رنج می‌برند. برخی از آنها می‌گفتند که احساس می‌کنند مانند علائم رمزی در یک نظام رسمی هستند، موقعیتی که می‌توانست فقط تفکر بی‌ثمری را نتیجه دهد و بیشتر سودمندی نوعی آموزش را به همراه داشت تا پرورش. آنها می‌خواستند که مدارس، بعضی از فشارهای ناشی از امتحان را کم کنند و به ارزشها و علایق دانش‌آموزان توجه بیشتری مبذول دارند. غالباً در چنین مدارسی، خلاقیت خاموش می‌شود.

پاسخ یک پسر دانش‌آموز: «تعلیم و تربیت رسمی خلاقیت شما را متوقف می‌کند.»

به هر حال، طبیعت گلچین کردن دانش‌آموزان توسط مدارس سطح بالا، منجر به کسب نمراتی درخشان، بوسیله دانش‌آموزان می‌شود.

● خانواده‌ها

در موضع‌گیری‌های والدین افراد پیشرفته و جوانان خلاق، اختلافات فاحشی وجود دارد.

○ **فرهنگ:** از لحاظ فرهنگی، در محیط عمومی و تزئینی خانواده‌های افراد خلاق به کیفیت آن بیشتر توجه شده بود و در مقایسه با افراد پیشرفته، کتابهای بیشتری داشتند. اما تفاوت عمده فرهنگی بین خانواده‌های افراد پیشرفته و خلاق، در زمینه کیفیت موسیقی بود. در واقع کودکان خلاق در خانواده‌هایی پرورش می‌یافتند که الگوهای هنری بیشتری به آنها عرضه می‌شد و بیشتر تحت حمایت قرار می‌گرفتند.

دانش‌آموزانی که گرایش به پیشرفت تحصیلی داشتند در خانه‌هایی پرورش می‌یافتند که در آن، پیشرفت تحصیلی بویژه در علوم، بر احساسات هنری پیشی جسته بود.

● دو نمونه از جوانان

○ **«افراد پیشرفته»:** کسانی که بیشترین لذت را از پیشرفت تحصیلی داشتند به طرز قابل ملاحظه‌ای شامل مردان می‌شد. آنها بیشتر دوست داشتند با اتخاذ روش مطالعه مفید و مهار شدید خود از لذت، به خودشان توجه کنند. جوانان، هدفها و اقتدار مؤسسه تحصیلی را که از طریق اعتبار و حمایت معلمان توانمند تقویت شده بود، پذیرفتند. آنها این موضع‌گیری را در خارج از حاکمیت مدرسه و فعالیتهای مربوط به اوقات فراغت حمل می‌نمودند.

○ مثالی از یک فرد پیشرفته: متأسفانه پیشرفتهای تحصیلی وی به همان سرعتی که درجات ترقی را در کلاسهای اولیه طی می‌نمود، پیش نمی‌رفت. بنابراین، او به تلاش بیشتری احتیاج داشت. در ۲۱ سالگی و بعداً در اولین سالی که دکتر گرفت، نگران بود که مبدا نتواند سرعتش را حفظ کند. او به این نتیجه رسید که غیرممکن است در آینده نظاره‌گر جوانان خوشبین باشد. کارهای او همیشه کامل بود. حتی در مدرسه، یادداشتهایی فراهم می‌آورد تا درباره یک موضوع، مطالعات وسیعی انجام دهد و بتواند آنها را خلاصه نماید. همانطوری که خودش می‌گفت: «اوقات بی‌حد و حصر» تا جایی که به مفهوم اصلی موضوع پی برد. به هر حال بنظر می‌رسید که او احساساتش را نسبت به دیگران بروز نمی‌دهد، خودش را بیش از پیش به عنوان دانشمند گوشه‌نشین، قالب‌ریزی می‌نماید، در تمام روز با میکروسکوپهایش به تعمق می‌پرداخت و فقط هنگام شب، اطاق خود را ترک می‌گفت. او هیچ کاری در جهت تقلیل دردها و رنجهایش انجام نداد که عمیقاً موجب عذاب وی می‌شدند:

«من هرگز نمی‌خواستم معلمانم را بشناسم، چون فکر نمی‌کنم کارها به همان خوبی که من انجام می‌دادم، باشند. به دستورالعمل اهمیت می‌دهم. روزنامه‌ها را نمی‌خوانم؛ چون خسته‌کننده‌اند. به سیاست یا هر چیز دیگری که شبیه به آن است، علاقه‌ای ندارم؛ بجز موسیقی. امکان دارد که علم ناشی از نظام تعلیم و تربیت علمی من، مانع تخیل من شده است.

نمی‌دانم شاید به اشتباه، شکسته نفسی تعبیر شود. اما دو نکته جالب درباره خودم را نمی‌توانم برایتان روشن نمایم. اگر مردم مرا دوست دارند، خودم علتش را نمی‌دانم، هنوز کسی به هیچ طریقی به من چیزی درباره‌ام نگفته است. به راحتی تسلیم زندگی اجتماعی شده‌ام هیچوقت درباره آنچه مردم می‌گویند، متمرکز نمی‌شوم، یا درباره چیزی که می‌گویند، نمی‌اندیشم. دوست دارم آنها را در هنگام صحبت کردن، تماشا کنم، ولی نمی‌خواهم در مذاکراتشان شرکت جویم.

شاید درباره شخصی که در حال صحبت است، فکر کنم، اما درباره آنچه می‌گوید، نمی‌اندیشم. من خودخواهم و کمی مغرور و این نقطه ضعف من است. زیاد هم با دیگران فرقی نمی‌کنم، اما احساس می‌کنم سرخورده شده‌ام و تعجب می‌کنم چرا اینجا هستم و این دلیل افسردگیم است.»

○ **«افراد خلاق»:** کسانی که از قدرت خلاقه فوق‌العاده‌ای برخوردار بودند، غالباً در میان دختران، یافت می‌شدند؛ کمتر جاه‌طلب بودند؛ در امتحانات رده‌های بالاتر، زیاد موفقیت نشان نمی‌دادند و به نظر معلمان، از توانایی هوشی کمتری برخوردار داشتند. اما عمدتاً درباره جهان به تفکر، اندیشه و بررسی می‌پرداختند.

○ نمونه‌ای از فرد خلاق (شاعری جوان): او به این نتیجه رسید که مشکل است این مسئله را در مدارس خودش عنوان نماید. سرانجام با گرفتن نمرات خوب و عالی توانست برای مطالعه تاریخ هنر، به دانشگاه راه یابد. در ۹ سالگی با دستگاه ضبط صوت بازی می‌کرد و می‌خواست موسیقیدان شود. او خودش را فردی گوشه‌گیر توصیف می‌نمود و از دنیای همکلاسی‌هایش جدا بود. مادرش اعتقاد داشت که او مشکلاتی در مدرسه داشته، تا جایی که معلمانش فکر می‌کردند شاید او به کمک خاصی احتیاج داشته باشد.

○ اظهارات مادر این فرد خلاق: دستخط او، وحشتناک است. او همیشه مشکلاتی بدلیل این دستخط داشته است. در حال حاضر خیلی از کارهایش را موقعی که مجبور است تند بنویسد و یا موقعی که تحت فشار قرار می‌گیرد، تحریر می‌کند. او همچنین مشکلاتی در رسم و نقاشی دارد. کار سوزن‌دوزی‌اش کلافه‌کننده بود و به خاطر آن، ما مجبور شدیم بیشتر مواقع به مدرسه برویم؛ معلمها فکر می‌کردند که او می‌خواهد مشکل ایجاد کند، همیشه پریشان‌حال به خانه می‌آمد؛ چون توانایی انجام کار سوزن‌دوزی را نداشت.

مدرسه برای روان‌آزمایی‌اش، او را به یک مرکز راهنمایی کودک ارجاع داد. آنها گفتند که بهره هوشی وی در سطح تیزهوش است؛ اما میان هماهنگ‌سازی، کاردستی و درک تجسم فضایی او اختلاف شدیدی وجود داشت. اوائل، تصورش از مدرسه همراه با ترس و ناامیدی بود، برایش حکم کابوس داشت. سرانجام او را از مدرسه ابتدایی بیرون آوردیم و برای ادامه تحصیل معلم سرخانه گرفتیم. وقتی که نمره ج را در سطح O در ادبیات انگلیسی گرفت، معلم در گزارشش ذکر کرد احتمالاً چیزهایی خارج از موضوع که کاملاً با موضوع اصلی تفاوت داشته، نوشته است که برای این سطح کمی مشکل و پیچیده است. این پاسخها مدنظر آنها نیست و به همین دلیل مجبور شدند برایش نمره کمی منظور نمایند.»

● نتایج

مسئله غامض برای متخصصین تعلیم و تربیت این است که کودکان برگزیده برای برنامه‌های تحصیلی فوق‌العاده، به دلیل توانایی طی امتحانات، رشد بازیهای کودکانه، دیدگاه خلاق نسبت به کارها و نگرش کلی خود، جذب برنامه‌های مزبور نمی‌شوند. اینها ممکن بود که از طرف مدارس دلسرد شوند و از رشد طبیعی‌شان باز بمانند.

اگر دانش‌آموزان، انگیزه‌ای برای مطرح کردن خودشان داشته باشند و در مورد خودشان فکر کنند، واضح است که به دلیل ساختار خشک مدرسه تحت فشار قرار می‌گیرند، در شرایطی که معلمها قادر یا متمایل نیستند که به تنهایی از عهده انجام کارها برآیند؛ این غیرممکن است که از دانش‌آموزان خواسته شود تا رفتار خلاقانه از خود نشان دهند و هیچ واکنشی نسبت به نظام تحصیلی نداشته باشند و در مقایسه با همسالانشان، تفاوتی بروز ندهند.

اکثر جوانان در این نمونه‌گیری احساس می‌کردند که احتیاج به معلمانی دارند که با آنها و برای آنها کار کنند؛ معلمانی که در مورد جریان یادگیری و توانایی دانش‌آموزان برای گذراندن امتحانات، نگران بودند. بهترین توصیفی که به زبان خود کردند این است که چطور موضوعاتی مانند: اعتماد به نفس، اختلالات ادراکی و روابط شخصی در تعلیم و تربیت آنها همچون افکار عالی، تسلط، مهارت و دانش، اثر می‌گذارند.

اما برای بیشتر افراد خلاق این یک تصور واهی بود. این امر از جمله جنبه‌های طبیعی رفتار دانش‌آموزان تیزهوش بود که از رسوم اجتماعی حاکم در کلاس پیروی نمی‌کردند. نکته مهم این است که نه تنها استعداد‌های بالقوه آنان رو به تحلیل می‌رفت، بلکه دانش‌آموزانی نیز یافت می‌شدند که احساس می‌کردند مجبورند تا خواسته‌های شخصی خودشان را در حالی که خودباوری آنها، آسیب می‌بیند، نادیده بگیرند.

در محیطی که کودک، بطور استثنایی می‌تواند رشد کند، تمام جوانب دیگر مانند گذراندن وقت کافی با دیگران برای ایجاد روابط اجتماعی مناسب، رشد علایق خارج از مطالعه، شرکت در فعالیتهای مدرسه و اجتماع نیز باید در حال تعادل باشد. بنابر

آنچه گذشت، والدین و معلمان، با توجه به نیازهای شناختی افراد تیزهوش باید این اطمینان را ایجاد کنند که جنبه‌های غیرقابل
سنجش این کودکان نیز بطور شایسته‌ای پرورش یابد.

○ ○ ○

یادداشتها

۱. Freeman, Joan. "High Level School Achievement versus Creativity." Expanding awareness of creative potentials Worldwide, Seventh World
Conference on Gifted and Talented Children. ۱۹۹۰, pp. ۱۶۹ - ۱۷۷.

۲- Achievers

۳- Creatives

۴- Gulbenkian

○ ○ ○





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی